

بِسْمِ اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ

آراء  
وحدت رویه

کاربردی، حقوقی - کیفی

تدوین: گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

انتشارات چتر دانش - ۱۳۹۷

- عنوان و نام پدیدآور : آراء وحدت رویه کاربردی، حقوقی - کیفی
- مشخصات نشر : تهران: چتر دانش، ۱۳۹۳.
- مشخصات ظاهری : ۲۵۱ ص. ۱۴/۵ × ۲۰ س.م.
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۳۹-۹
- وضعیت فهرست نویسی : فیپای مختصر
- یادداشت : این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir>
- قابل دسترسی است.
- یادداشت : چاپ دوم.
- شناسه افزوده : موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
- شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۱۵۵۳۵

- نام کتاب : آراء وحدت رویه کاربردی، حقوقی - کیفی
- ناشر : چتر دانش
- تدوین : گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
- نوبت و سال چاپ : ششم- ۱۳۹۷
- شمارگان : ۱۰۰۰
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۳۹-۹
- قیمت : ۱۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

[nashr.chatr@gmail.com](mailto:nashr.chatr@gmail.com)

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به‌منصه‌ی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**  
مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

## آراء وحدت رویه مرتبط با حقوق مدنی..... ۱۲

- ۱۲..... رأی وحدت رویه شماره ۱۶۷۸ مورخ ۱۳۲۹/۱۰/۲۳ مورخ ۱۳۲۹/۱۰/۲۳
- ۱۳..... رأی وحدت رویه شماره ۱۷۹۸ مورخ ۱۳۳۱/۱۱/۱۶ مورخ ۱۳۳۱/۱۱/۱۶
- ۱۳..... رأی وحدت رویه شماره ۱۳۰۹ مورخ ۱۳۳۹/۴/۲۷ مورخ ۱۳۳۹/۴/۲۷
- ۱۵..... رأی وحدت رویه شماره ۶۹۹ مورخ ۱۳۳۴/۴/۱۷ مورخ ۱۳۳۴/۴/۱۷
- ۱۶..... رأی وحدت رویه شماره ۳۵۶۱ مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۶ مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۶
- ۱۶..... رأی وحدت رویه شماره ۲۳ مورخ ۱۳۴۴/۹/۲۲ مورخ ۱۳۴۴/۹/۲۲
- ۱۸..... رأی وحدت رویه شماره ۲۲۴ مورخ ۱۳۴۹/۸/۸ مورخ ۱۳۴۹/۸/۸
- ۱۹..... رأی وحدت رویه شماره ۴۲ مورخ ۱۳۵۱/۸/۲ مورخ ۱۳۵۱/۸/۲
- ۲۰..... رأی وحدت رویه شماره ۵۴ مورخ ۱۳۵۱/۱۰/۱۳ مورخ ۱۳۵۱/۱۰/۱۳
- ۲۱..... رأی وحدت رویه شماره ۹ مورخ ۱۳۵۵/۳/۱۰ مورخ ۱۳۵۵/۳/۱۰
- ۲۳..... رأی وحدت رویه شماره ۹۵ مورخ ۱۳۵۶/۷/۱۰ مورخ ۱۳۵۶/۷/۱۰
- ۲۴..... رأی وحدت رویه شماره ۱۱۳ مورخ ۱۳۵۶/۱۱/۲۴ مورخ ۱۳۵۶/۱۱/۲۴
- ۲۷..... رأی وحدت رویه شماره ۱۱۴ مورخ ۱۳۵۶/۱۲/۳ مورخ ۱۳۵۶/۱۲/۳
- ۲۷..... رأی وحدت رویه شماره ۱۲۶ مورخ ۱۳۶۳/۲/۳۱ مورخ ۱۳۶۳/۲/۳۱
- ۲۸..... رأی وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳
- ۲۹..... رأی وحدت رویه شماره ۵۱۸ مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۸ مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۸
- ۳۰..... رأی وحدت رویه شماره ۵۲۰ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۹ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۹
- ۳۱..... رأی وحدت رویه شماره ۵۷۶ مورخ ۱۳۷۱/۷/۱۴ مورخ ۱۳۷۱/۷/۱۴
- ۳۲..... رأی وحدت رویه شماره ۶۰۷ مورخ ۱۳۷۵/۶/۲۰ مورخ ۱۳۷۵/۶/۲۰
- ۳۴..... رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳
- ۳۵..... رأی وحدت رویه شماره ۶۲۰ مورخ ۱۳۷۶/۸/۲۰ مورخ ۱۳۷۶/۸/۲۰
- ۳۶..... رأی وحدت رویه شماره ۶۴۷ مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۸ مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۸
- ۳۷..... رأی وحدت رویه شماره ۷۰۸ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۲ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۲
- ۳۸..... رأی وحدت رویه شماره ۷۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۰ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۰
- ۳۹..... رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۳ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۳
- ۴۰..... رأی وحدت رویه شماره ۷۱۹ مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۰ مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۰

## آراء وحدت رویه مرتبط با قانون آیین دادرسی مدنی..... ۴۱

- ۴۱..... رأی وحدت رویه شماره ۱۹۹۹ مورخ ۱۳۳۲/۹/۲۵ مورخ ۱۳۳۲/۹/۲۵
- ۴۱..... رأی وحدت رویه شماره ۲۱۱۱ مورخ ۱۳۳۵/۱۰/۱۰ مورخ ۱۳۳۵/۱۰/۱۰
- ۴۲..... رأی وحدت رویه شماره ۲۴۶۷ مورخ ۱۳۳۵/۱۱/۲۸ مورخ ۱۳۳۵/۱۱/۲۸
- ۴۳..... رأی وحدت رویه شماره ۸۰۰ مورخ ۱۳۳۶/۴/۱۱ مورخ ۱۳۳۶/۴/۱۱

٤٤.....	رأى وحدت رویه شماره ١٥٤٢ مورخ ١٣٣٦/٨/٨
٤٥.....	رأى وحدت رویه شماره ٣٢٧١ مورخ ١٣٣٩/١٠/١٩
٤٦.....	رأى وحدت رویه شماره ٦٢ مورخ ١٣٥١/١١/١١
٤٧.....	رأى وحدت رویه شماره ٧١ مورخ ١٣٥٣/٩/٤
٤٨.....	رأى وحدت رویه شماره ٢٤ مورخ ١٣٥٣/٣/١٥
٤٩.....	رأى وحدت رویه شماره ٢٧ مورخ ١٣٥٣/٣/١٥
٤٩.....	رأى وحدت رویه شماره ٩٠ مورخ ١٣٥٣/١٠/٤
٥١.....	رأى وحدت رویه شماره ٩ مورخ ١٣٥٩/٣/٢٨
٥١.....	رأى وحدت رویه ردیف ٢٨/٥٩ مورخ ١٣٥٩/١٢/١٦
٥٢.....	رأى وحدت رویه شماره ٣٥٣٠ مورخ ١٣٦٠/٢/٧
٥٣.....	رأى وحدت رویه شماره ١٢ مورخ ١٣٦٠/٣/١٦
٥٤.....	رأى وحدت رویه شماره ١٢٦٤٦ مورخ ١٣٦٠/٤/٣٠
٥٥.....	رأى وحدت رویه شماره ١٧٤٠٠ مورخ ١٣٦٠/٧/٧
٥٧.....	رأى وحدت رویه شماره ٤٠ مورخ ١٣٦٠/١١/١٩
٥٨.....	رأى وحدت رویه شماره ٤٥ مورخ ١٣٦٢/٢/٥
٥٩.....	رأى وحدت رویه شماره ٥٣ مورخ ١٣٦٢/٣/٢
٦١.....	رأى وحدت رویه شماره ٣٧ مورخ ١٣٦٣/٩/١٩
٦١.....	رأى وحدت رویه شماره ٤٧ مورخ ١٣٦٣/١٠/١٧
٦٣.....	رأى وحدت رویه شماره ٢٢١ مورخ ١٣٦٣/١٠/١٨
٦٥.....	رأى وحدت رویه شماره ٢٨ مورخ ١٣٦٤/٩/١٢
٦٥.....	رأى وحدت رویه شماره ٣٣ مورخ ١٣٦٤/١٢/١٢
٦٦.....	رأى وحدت رویه شماره ٣٥ مورخ ١٣٦٥/٩/٢٠
٦٧.....	رأى وحدت رویه شماره ٥٠٤ مورخ ١٣٦٦/٢/١٠
٦٨.....	رأى وحدت رویه شماره ٥٠٧ مورخ ١٣٦٦/١٠/١٥
٦٩.....	رأى وحدت رویه شماره ٥١٢ مورخ ١٣٦٧/٨/٢
٦٩.....	رأى وحدت رویه شماره ٥٣٧ مورخ ١٣٦٩/٨/١
٧٠.....	رأى وحدت رویه شماره ٥٤٣ مورخ ١٣٦٩/١٠/١١
٧١.....	رأى وحدت رویه شماره ٥٤٥ مورخ ١٣٦٩/١١/٣٠
٧٢.....	رأى وحدت رویه شماره ٥٥١ مورخ ١٣٦٩/١٢/٢١
٧٤.....	رأى وحدت رویه شماره ٥٥٦ مورخ ١٣٧٠/٢/١٠
٧٤.....	رأى وحدت رویه شماره ٥٥٨ مورخ ١٣٧٠/٣/٧
٧٥.....	رأى وحدت رویه شماره ٥٦٩ مورخ ١٣٧٠/١٠/١٠
٧٥.....	رأى وحدت رویه شماره ٥٧٥ مورخ ١٣٧١/٢/٢٩

٧٦.....	١٣٧١/٧/٢٨	مورخ ٥٧٩	رأى وحدت رویه شماره ٥٧٩
٧٨.....	١٣٧١/١٢/٢٢	مورخ ٥٨٢	رأى وحدت رویه شماره ٥٨٢
٧٨.....	١٣٧٤/٤/١٣	مورخ ٥٩٩	رأى وحدت رویه شماره ٥٩٩
٧٩.....	١٣٧٤/١٠/٢٦	مورخ ٦٠٢	رأى وحدت رویه شماره ٦٠٢
٨١.....	١٣٧٤/١٢/٢٢	مورخ ٦٠٤	رأى وحدت رویه شماره ٦٠٤
٨٢.....	١٣٧٥/١/١٤	مورخ ٦٠٥	رأى وحدت رویه شماره ٦٠٥
٨٣.....	١٣٧٥/٦/٢٧	مورخ ٦٠٩	رأى وحدت رویه شماره ٦٠٩
٨٤.....	١٣٧٥/١٠/١٨	مورخ ٦١٢	رأى وحدت رویه شماره ٦١٢
٨٤.....	١٣٧٧/١/١٨	مورخ ٦٢٣	رأى وحدت رویه شماره ٦٢٣
٨٦.....	١٣٧٧/٤/٩	مورخ ٦٢٦	رأى وحدت رویه شماره ٦٢٦
٨٨.....	١٣٧٨/٩/١٦	مورخ ٦٤٣	رأى وحدت رویه شماره ٦٤٣
٩٠.....	١٣٧٩/٢/٨	مورخ ٦٤٨	رأى وحدت رویه شماره ٦٤٨
٩١.....	١٣٨٠/٩/٢٧	مورخ ٦٥٥	رأى وحدت رویه شماره ٦٥٥
٩٢.....	١٣٨٢/١/١٩	مورخ ٦٦٠	رأى وحدت رویه شماره ٦٦٠
٩٣.....	١٣٨٢/٧/٢٩	مورخ ٦٦٢	رأى وحدت رویه شماره ٦٦٢
٩٤.....	١٣٨٣/٩/١٠	مورخ ٦٧٠	رأى وحدت رویه شماره ٦٧٠
٩٥.....	١٣٨٣/١٠/١	مورخ ٦٧٢	رأى وحدت رویه شماره ٦٧٢
٩٦.....	١٣٨٥/٣/٢٣	مورخ ٦٨٨	رأى وحدت رویه شماره ٦٨٨
٩٧.....	١٣٨٥/١١/٢٤	مورخ ٦٩٧	رأى وحدت رویه شماره ٦٩٧
٩٩.....	١٣٨٦/٣/٢٢	مورخ ٦٩٩	رأى وحدت رویه شماره ٦٩٩
١٠١.....	١٣٨٦/٥/٢	مورخ ٧٠٢	رأى وحدت رویه شماره ٧٠٢
١٠١.....	١٣٨٦/٨/١	مورخ ٧٠٥	رأى وحدت رویه شماره ٧٠٥
١٠٢.....	١٣٨٨/١٢/١١	مورخ ٧١٤	رأى وحدت رویه شماره ٧١٤
١٠٣.....	١٣٩٠/٣/٣	مورخ ٧٢٠	رأى وحدت رویه شماره ٧٢٠
١٠٥.....	١٣٩٠/١٠/١٣	مورخ ٧٢٢	رأى وحدت رویه شماره ٧٢٢
١٠٦.....	١٣٩٠/١٠/٢٧	مورخ ٧٢٣	رأى وحدت رویه شماره ٧٢٣
١٠٧.....	١٣٩١/٤/٢٠	مورخ ٧٢٥	رأى وحدت رویه شماره ٧٢٥
١٠٧.....	١٣٩١/٤/٢٧	مورخ ٧٢٦	رأى وحدت رویه شماره ٧٢٦
١٠٨.....	١٣٩٣/١/١٩	مورخ ٧٣٢	رأى وحدت رویه شماره ٧٣٢
١٠٩.....	١٣٩٣/٢/١٥	مورخ ١٢٦	رأى وحدت رویه شماره ١٢٦
١١٠.....	١٣٩٣/٢/٢٩	مورخ ١٥٢-١٥١	رأى وحدت رویه شماره ١٥١-١٥٢
١١١.....	١٣٩٤/١٠/٢٩	مورخ ٧٤٧	رأى وحدت رویه شماره ٧٤٧
١١١.....	١٣٩٥/١/٢٤	مورخ ٧٤٨	رأى وحدت رویه شماره ٧٤٨
١١٣.....	١٣٩٥/٥/٥	مورخ ٧٥٠	رأى وحدت رویه شماره ٧٥٠

رأى وحدت رویه شماره ۷۵۳ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲	۱۱۴
رأى وحدت رویه شماره ۷۵۵ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴	۱۱۵
رأى وحدت رویه شماره ۷۵۷ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۹	۱۱۶

### آراء وحدت رویه مرتبط با حقوق تجارت ..... ۱۱۷

رأى وحدت رویه شماره ۳۲۷۱ مورخ ۱۳۳۹/۱۰/۱۹	۱۱۷
رأى وحدت رویه شماره ۳۸۱۴ مورخ ۱۳۴۱/۸/۸	۱۱۸
رأى وحدت رویه شماره ۶۲۳ مورخ ۱۳۴۵/۴/۲۰	۱۲۰
رأى وحدت رویه شماره ۱۵۵ مورخ ۱۳۴۷/۱۲/۱۴	۱۲۱
رأى وحدت رویه شماره ۲۱۲ مورخ ۱۳۵۰/۷/۱	۱۲۳
رأى وحدت رویه شماره ۲۹۰ مورخ ۱۳۵۰/۹/۱۷	۱۲۴
رأى وحدت رویه شماره ۶۲ مورخ ۱۳۵۱/۱۱/۱۱	۱۲۵
رأى وحدت رویه شماره ۳۴ مورخ ۱۳۵۲/۳/۲۹	۱۲۶
رأى وحدت رویه شماره ۲۹ مورخ ۱۳۶۳/۸/۲۸	۱۲۷
رأى وحدت رویه شماره ۵۳۶ مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۰	۱۲۹
رأى وحدت رویه شماره ۵۶۱ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۸	۱۳۰
رأى وحدت رویه شماره ۵۹۷ مورخ ۱۳۷۴/۲/۱۲	۱۳۱
رأى وحدت رویه شماره ۶۸۸ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۳	۱۳۳

### آراء وحدت رویه مرتبط با قانون آیین دادرسی کیفری ..... ۱۳۴

رأى وحدت رویه شماره ۲۲۸ مورخ ۱۳۴۹/۸/۲۰	۱۳۴
رأى وحدت رویه شماره ۱۵ مورخ ۱۳۶۳/۶/۲۸	۱۳۵
رأى وحدت رویه شماره ۵۰۱ مورخ ۱۳۶۶/۱/۲۰	۱۳۶
رأى وحدت رویه شماره ۵۱۴ مورخ ۱۳۶۷/۹/۳۰	۱۳۷
رأى وحدت رویه شماره ۵۱۷ مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۸	۱۳۸
رأى وحدت رویه شماره ۵۲۴ مورخ ۱۳۶۸/۱/۲۹	۱۳۸
رأى وحدت رویه شماره ۵۳۸ مورخ ۱۳۶۹/۸/۱	۱۴۰
رأى وحدت رویه شماره ۵۳۵ مورخ ۱۳۶۹/۷/۳۰	۱۴۰
رأى وحدت رویه شماره ۵۴۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۴	۱۴۱
رأى وحدت رویه شماره ۵۴۹ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۱	۱۴۲
رأى وحدت رویه شماره ۵۵۰ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۱	۱۴۳
رأى وحدت رویه شماره ۵۶۳ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۸	۱۴۴
رأى وحدت رویه شماره ۵۷۱ مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۱	۱۴۵
رأى وحدت رویه شماره ۵۷۷ مورخ ۱۳۷۱/۷/۲۱	۱۴۷

١٤٨	رأى وحدت رویه شماره ٥٨٢ مورخ ١٣٧١/١٢/٢
١٤٩	رأى وحدت رویه شماره ٥٨٣ مورخ ١٣٧٢/٧/٦
١٥٠	رأى وحدت رویه شماره ٥٩٨ مورخ ١٣٧٤/٢/١٢
١٥٠	رأى وحدت رویه شماره ٦٠٠ مورخ ١٣٧٤/٧/٤
١٥٢	رأى وحدت رویه شماره ٦١٤ مورخ ١٣٧٥/١١/٣٠
١٥٣	رأى وحدت رویه شماره ٦٢٥ مورخ ١٣٧٧/٢/٨
١٥٣	رأى وحدت رویه شماره ٦٣٠ مورخ ١٣٧٧/١١/٦
١٥٤	رأى وحدت رویه شماره ٦٤٠ مورخ ١٣٧٨/٨/١٨
١٥٥	رأى وحدت رویه شماره ٦٤٩ مورخ ١٣٧٩/٧/٥
١٥٦	رأى وحدت رویه شماره ٦٥١ مورخ ١٣٧٩/٨/٣
١٥٨	رأى وحدت رویه شماره ٦٥٧ مورخ ١٣٨٠/١٢/١٤
١٦٠	رأى وحدت رویه شماره ٦٥٩ مورخ ١٣٨١/٣/٧
١٦١	رأى وحدت رویه شماره ٦٦٤ مورخ ١٣٨٢/١٠/٣٠
١٦٢	رأى وحدت رویه شماره ٦٦٩ مورخ ١٣٨٣/٧/٢١
١٦٢	رأى وحدت رویه شماره ٦٧٨ مورخ ١٣٨٤/٤/٢٨
١٦٤	رأى وحدت رویه شماره ٦٨٠ مورخ ١٣٨٤/٥/٢٥
١٦٤	رأى وحدت رویه شماره ٦٨٤ مورخ ١٣٨٤/١١/٤
١٦٥	رأى وحدت رویه شماره ٦٩٠ مورخ ١٣٨٥/٥/٣
١٦٦	رأى وحدت رویه شماره ٦٩٤ مورخ ١٣٨٥/٨/٩
١٦٧	رأى وحدت رویه شماره ٦٩٦ مورخ ١٣٨٥/٩/١٤
١٦٨	رأى وحدت رویه شماره ٦٩٨ مورخ ١٣٨٦/١/٢١
١٦٩	رأى وحدت رویه شماره ٧٠٠ مورخ ١٣٨٦/٤/١٢
١٧٠	رأى وحدت رویه شماره ٧٠٣ مورخ ١٣٨٦/٥/٩
١٧١	رأى وحدت رویه شماره ٧٠٤ مورخ ١٣٨٦/٧/٢٧
١٧٢	رأى وحدت رویه شماره ٥٢٩ مورخ ١٣٨٦/٨/٢
١٧٣	رأى وحدت رویه شماره ٧٠٦ مورخ ١٣٨٦/٩/٢٠
١٧٤	رأى وحدت رویه شماره ٧٠٧ مورخ ١٣٨٦/١٢/٢١
١٧٥	رأى وحدت رویه شماره ٧٠٩ مورخ ١٣٨٧/١١/١
١٧٧	رأى وحدت رویه شماره ٧١٠ مورخ ١٣٨٨/١/١٨
١٧٨	رأى وحدت رویه شماره ٧١٥ مورخ ١٣٨٩/١/٢٤
١٧٩	رأى وحدت رویه شماره ٧٢١ مورخ ١٣٩٠/٤/٢١
١٨٠	رأى وحدت رویه شماره ٧٢٤ مورخ ١٣٩١/٢/٢٤
١٨١	رأى وحدت رویه شماره ٧٢٧ مورخ ١٣٩١/٩/٢١
١٨٢	رأى وحدت رویه شماره ٧٢٨ مورخ ١٣٩١/٩/٢٨
١٨٣	رأى وحدت رویه شماره ٧٢٩ مورخ ١٣٩١/١٢/١



رأى وحدت رویه شماره ۷۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۸	۱۸۴
رأى وحدت رویه شماره ۷۳۱ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۸	۱۸۵
رأى وحدت رویه شماره ۷۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۴	۱۸۶
رأى وحدت رویه شماره ۷۴۲ مورخ ۱۳۹۴/۵/۶	۱۸۸
رأى وحدت رویه شماره ۷۴۳ مورخ ۱۳۹۴/۸/۵	۱۸۸
رأى وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۹	۱۹۰
رأى وحدت رویه شماره ۷۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۶	۱۹۰
رأى وحدت رویه شماره ۷۴۹ مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۴	۱۹۱
رأى وحدت رویه شماره ۷۵۱ مورخ ۱۳۹۵/۵/۵	۱۹۳
رأى وحدت رویه شماره ۷۵۲ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲	۱۹۷
رأى وحدت رویه شماره ۷۵۴ مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۵	۱۹۸
رأى وحدت رویه شماره ۷۵۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴	۲۰۰
رأى وحدت رویه شماره ۷۵۸ مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۳	۲۰۰
رأى وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰	۲۰۲

## ۲۰۴ ..... آراء وحدت رویه مرتبط با حقوق جزا

رأى وحدت رویه شماره ۱۱۸۸ مورخ ۱۳۳۶/۳/۳۰	۲۰۴
رأى وحدت رویه شماره ۴۶۶۸ مورخ ۱۳۳۶/۹/۷	۲۰۴
رأى وحدت رویه شماره ۴۷۱۷ مورخ ۱۳۴۴/۱۰/۲۹	۲۰۵
رأى وحدت رویه شماره ۲۴ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۹	۲۰۵
رأى وحدت رویه شماره ۲۵ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۹	۲۰۷
رأى وحدت رویه شماره ۳۵ مورخ ۱۳۶۰/۹/۱۰	۲۰۷
رأى وحدت رویه شماره ۱۳ مورخ ۱۳۶۲/۷/۶	۲۰۸
رأى وحدت رویه شماره ۳۴ مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۲	۲۰۹
رأى وحدت رویه شماره ۱۲ مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۰	۲۱۰
رأى وحدت رویه شماره ۳۲ مورخ ۱۳۶۵/۸/۲۰	۲۱۱
رأى وحدت رویه شماره ۳۹ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۲	۲۱۱
رأى وحدت رویه شماره ۵۱ مورخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۷	۲۱۳
رأى وحدت رویه شماره ۵۲ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱	۲۱۴
رأى وحدت رویه شماره ۵۲۲ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۳	۲۱۵
رأى وحدت رویه شماره ۵۲۵ مورخ ۱۳۶۸/۱/۲۹	۲۱۶
رأى وحدت رویه شماره ۵۳۰ مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۱	۲۱۶
رأى وحدت رویه شماره ۵۴۰ مورخ ۱۳۶۹/۸/۲۹	۲۱۷
رأى وحدت رویه شماره ۵۸۷ مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۷	۲۱۸

٢٢٠	رأى وحدت رویه شماره ٥٩١ مورخ ١٣٧٣/١/١٦
٢٢١	رأى وحدت رویه شماره ٥٩٤ مورخ ١٣٧٣/٩/١
٢٢٣	رأى وحدت رویه شماره ٦٠٨ مورخ ١٣٧٥/٦/٢٧
٢٢٤	رأى وحدت رویه شماره ٦١٦ مورخ ١٣٧٦/٣/٦
٢٢٦	رأى وحدت رویه شماره ٦١٩ مورخ ١٣٧٦/٨/٦
٢٢٧	رأى وحدت رویه شماره ٦٢٤ مورخ ١٣٧٧/١/١٨
٢٢٨	رأى وحدت رویه به شماره ٦٢٥ مورخ ١٣٧٧/٢/٨
٢٢٩	رأى وحدت رویه شماره ٦٢٨ مورخ ١٣٧٧/٦/٣١
٢٣٠	رأى وحدت رویه شماره ٦٣٨ مورخ ١٣٧٨/٦/٩
٢٣١	رأى وحدت رویه شماره ٦٤٢ مورخ ١٣٧٨/٩/٩
٢٣٢	رأى وحدت رویه شماره ٦٤٥ مورخ ١٣٧٨/٩/٢٣
٢٣٣	رأى وحدت رویه شماره ٦٥٤ مورخ ١٣٨٠/٧/١٠
٢٣٤	رأى وحدت رویه شماره ٦٧١ مورخ ١٣٨٣/٩/١٧
٢٣٥	رأى وحدت رویه شماره ٦٨٢ مورخ ١٣٨٤/١٠/٦
٢٣٥	رأى وحدت رویه شماره ٦٨٣ مورخ ١٣٨٤/١٠/١٣
٢٣٦	رأى وحدت رویه شماره ٦٨٥ مورخ ١٣٨٤/١٢/٢٣
٢٣٨	رأى وحدت رویه شماره ٦٩١ مورخ ١٣٨٥/٧/١١
٢٣٨	رأى وحدت رویه شماره ٧١٣ مورخ ١٣٨٨/١٠/١٥
٢٣٩	رأى وحدت رویه شماره ٧١٧ مورخ ١٣٩٠/٢/٦
٢٤٠	رأى وحدت رویه شماره ٧٤٠ مورخ ١٣٩٤/١/١٨
٢٤١	رأى وحدت رویه شماره ٧٤٦ مورخ ١٣٩٤/١٠/٢٩
٢٤٣	رأى وحدت رویه شماره ٧٦٠ مورخ ١٣٩٦/٤/٢٠

## ٢٤٥ ..... آراء وحدت رویه سال ١٣٩٦

٢٤٥	رأى وحدت رویه شماره ٧٥٧ مورخ ١٣٩٦/١/٢٩
٢٤٥	رأى وحدت رویه شماره ٧٥٨ مورخ ١٣٩٦/٤/١٣
٢٤٦	رأى وحدت رویه شماره ٧٥٩ مورخ ١٣٩٦/٤/٢٠
٢٤٧	رأى وحدت رویه شماره ٧٦٠ مورخ ١٣٩٦/٤/٢٠
٢٤٨	رأى وحدت رویه شماره ٧٦١ مورخ ١٣٩٦/٨/٢
٢٤٨	رأى وحدت رویه شماره ٧٦٢ مورخ ١٣٩٦/٨/٢
٢٤٩	رأى وحدت رویه شماره ٧٦٣ مورخ ١٣٩٦/٨/٩
٢٤٩	رأى وحدت رویه شماره ٧٦٤ مورخ ١٣٩٦/٨/٩
٢٥٠	رأى وحدت رویه شماره ٧٦٥ مورخ ١٣٩٦/٨/٣٠

نظر به تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و نسخ ماده ۳ اضافی به قانون آیین دادرسی کیفری و نیز ماده واحده وحدت رویه قضایی مصوب هفتم تیر ۱۳۲۸، از این پس مستند قانونی لازم‌الاجرا بودن آرای وحدت رویه ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌باشد.

ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲- هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها یا دادستان‌ها یا وکلای دادگستری نیز می‌توانند با ذکر دلیل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیأت عمومی را درباره موضوع درخواست کنند. هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضاء معاون تمام شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کنند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضائی و غیر آن لازم‌الاتباع است؛ اما نسبت به رأی قطعی شده بی‌اثر است. در صورتی که رأی، اجراء نشده یا در حال اجراء باشد و مطابق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عمل انتسابی جرم شناخته نشود یا رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم‌علیه باشد، رأی هیأت عمومی نسبت به آراء مذکور قابل تسری است و مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود.

## آراء وحدت رویه مرتبط با حقوق مدنی

رأی وحدت رویه شماره ۱۶۷۸ مورخ ۱۳۲۹/۱۰/۲۳

موضوع:

در مواردی که اتخاذ تصمیم نسبت به اعتراض بر تصدیق حصر وراثت مبتنی و متوقف بر رسیدگی به موضوع نسب باشد، رسیدگی به موضوع نسب هم با همان دادگاهی است که به اعتراض رسیدگی می‌نماید.

متن رأی:

با توجه به این که صلاحیت دادگاه شهرستان نسبت به دادگاه بخش نسبی است و ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی [ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی (اصلاحی ۱۳۷۴/۴/۱۸)] دادگاه بخش را در مورد اعتراض بر تصدیق انحصار وراثت مرجع رسیدگی و صدور حکم قرار داده است، بنابراین در مواردی که اتخاذ تصمیم نسبت به اعتراض بر تصدیق حصر وراثت، مبتنی و متوقف بر رسیدگی به موضوع نسب باشد، رسیدگی به موضوع نسب هم با همان دادگاهی است که به اعتراض رسیدگی می‌نماید.

ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی سابق (مصوب ۱۳۱۹/۴/۲) - پس از انقضاء سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی در صورتی که معترض نبود دادگاه تمام ادله و اسناد درخواست‌کننده تصدیق را از برگ‌شناسنامه و گواهی گواه و غیره در نظر گرفته تصدیقی مشعر بر وراثت و تعیین عده وراثت و نسبت آنها به متوفی صادر می‌نماید و در صورت اعتراض دادگاه جلسه‌ای برای رسیدگی به اعتراض معین نموده و به معترض و درخواست‌کننده تصدیق اطلاع می‌دهد و در جلسه پس از رسیدگی حکم خواهد داد و این حکم قابل پژوهش و فرجام است.

ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی (اصلاحی ۱۳۷۴/۴/۱۸) - پس از انقضای یک ماه از تاریخ نشر آگهی در صورتی که معترضی نبود دادگاه تمام ادله و اسناد درخواست‌کننده تصدیق را از برگ‌شناسنامه و گواهی گواه و غیره در نظر گرفته، تصدیقی مشعر بر وراثت و تعیین تعداد وراثت و نسبت آنها به متوفی صادر می‌نماید و در صورت اعتراض، دادگاه جلسه‌ای برای رسیدگی به اعتراض معین نموده و به معترض و درخواست‌کننده تصدیق اطلاع می‌دهد و در جلسه پس از رسیدگی حکم خواهد داد. این حکم برابر مقررات قابل تجدید نظر است.

### رأی وحدت رویه شماره ۱۷۹۸ مورخ ۱۳۳۱/۱۱/۱۶

موضوع:

اگر معلوم نباشد متوفی دارای وارث است، دادگاه به تقاضای دادستان یا اشخاص ذی نفع، اقدام به تعیین مدیر ترکه می نماید، اعم از اینکه متوفی بازرگان یا غیربازرگان باشد.

متن رأی:

اداره ترکه طبق ماده ۱۶۲ قانون امور حسبی از امور راجع به ترکه است و به موجب ماده ۱۶۳ قانون مزبور، با دادگاه بخش آخرین اقامتگاه متوفی در ایران می باشد و موافق ماده ۳۲۷ آن قانون همین که معلوم نباشد متوفی دارای وارث است، دادگاه بخش به تقاضای دادستان یا اشخاص ذی نفع اقدام به تعیین مدیر ترکه می نماید، اعم از اینکه متوفی بازرگان یا غیربازرگان بوده باشد و لزوم رعایت مقررات مربوط به تصفیه امور ورشکسته در مورد اداره ترکه متوفی حسب اشعار ماده ۲۷۴ با لحاظ ماده ۳۳۲ قانون مذکور مستلزم صدور حکم ورشکستگی نسبت به متوفی نخواهد بود.



### رأی وحدت رویه شماره ۱۳۰۹ مورخ ۱۳۳۹/۴/۲۷

موضوع:

تقاضای ثبت اشخاص از اراضی بائر بلا مالک و موات اطراف شهر تهران ممنوع است.

متن رأی:

چون طبق ماده یک لایحه قانونی ثبت اراضی موات اطراف شهر تهران مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۳۴ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین از تاریخ ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۱ قبول تقاضای ثبت اشخاص از اراضی بائر بلا مالک و موات اطراف شهر تهران ( واقع در حدود مذکور در آن ماده) ممنوع و طبق ماده ۲ قانون مزبور فقط دولت مکلف گردیده است نسبت به این اراضی تقاضای ثبت نموده و به عنوان سرمایه به بانک ساختمانی واگذار نماید و نظر به اینکه طبق ماده ۳ آن قانون کسانی که نسبت به این اراضی ادعائی داشته باشند پس از ثبوت در محاکم در صورتی که اراضی مزبور

به فروش رسیده و یا به موسسات مذکور در آن قانون واگذار گردیده باشد مستحق دریافت بهائی خواهند بود که بانک ساختمانی به عنوان قیمت زمین دریافت داشته و در غیر این صورت نیز بانک ساختمانی در نگاهداری زمین و پرداخت بهای قبل از مرغوبیت و یا استرداد زمین و دریافت حق تشرف مخیر می‌باشد، از این رو حکم شعبه ششم دیوان عالی کشور در این قسمت صحیح و خالی از اشکال است. این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب هفتم تیرماه ۱۳۲۸ لازم‌الاتباع است.

**ماده ۲۷ قانون مدنی** - اموالی که ملک اشخاص نمی‌باشد و افراد مردم می‌توانند آن‌ها را مطابق مقررات مندرجه در این قانون و قوانین مخصوصه مربوطه به هر یک از اقسام مختلفه‌ی آن‌ها تملک کرده و یا از آن‌ها استفاده کنند مباحث نامیده می‌شود مثل اراضی موات یعنی زمین‌هایی که معطل افتاده و آبادی و کشت و زرع در آن‌ها نباشد.

**مواد ۱، ۲ و ۳ لایحه ثبت اراضی موات اطراف شهر تهران:**

**ماده ۱-** از تاریخ ۱۳۳۱/۵/۲۸ قبول تقاضای ثبت نسبت به اراضی بائر بلامالک و موات اطراف شهر تهران واقع در حدود ذیل از احدی پذیرفته نخواهد شد:  
شرقاً و جنوباً از اضلاع خارجی خیابانهای شهباز - شوش تا شعاع شش کیلومتر و شمالاً از ضلع خارجی خیابان شاهرضا تا شعاع ۱۸ کیلومتر و غرباً از ضلع خیابان سی‌متری نظامی تا شعاع ۳۶ کیلومتر.

**ماده ۲-** دولت مکلف است نسبت به اراضی فوق‌الذکر اقدام به درخواست ثبت نموده و اراضی مورد تقاضای ثبت را جزو سرمایه بانک ساختمانی قرار دهد تا بانک مزبور طبق اساسنامه خود عمل کند.

**ماده ۳-** اشخاصی که نسبت به این قبیل اراضی ادعایی داشته باشند پس از ثبوت در محاکم در صورتی که اراضی تاکنون به فروش رسیده یا تقسیم‌شده و یا به مؤسسات عمومی از قبیل مساجد، مدارس، مریضخانه و خیابان و غیره تخصیص داده شده بهایی را که بانک به عنوان قیمت زمین دریافت‌داشته به محکوم‌له می‌پردازد و در صورتی که در اراضی مورد ادعا تا این تاریخ عملیات فوق‌الذکر انجام نشده بانک ساختمانی می‌تواند زمین را نگهداشته و قیمت قبل از مرغوبیت را به محکوم‌له بپردازد و یا آن که با اخذ حق تشرف و مرغوبیتی که در اثر اقدامات بانک به وجود آمده است عین‌زمین را به محکوم‌له مسترد دارد.

**تبصره-** نسبت به دعاوی فوق‌الذکر ارجاع امر به داوری ممنوع است.

رأی وحدت رویه شماره ۶۹۹ مورخ ۱۳۳۴/۴/۱۷

موضوع:

- ۱- تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است، مگر آنکه خلافش محرز شود.
- ۲- تصرف به عنوان وقف قابل اثبات با شهادت شهود است.
- ۳- ید فعلی، حاکم بر ید سابق است.

متن رأی:

پس از قرائت رأی‌های صادره از شعبه ۴ و ۶ و استماع توضیحات آقایان رئیس‌ان و مستشاران شعبتین نامبرده و مذاکره و بحث در اطراف مسأله روشن شد که نسبت به اصل و اساس حکم قضیه اختلاف نظر و رویه بین دو شعبه نبوده است و هر دو شعبه در مسائل زیر متفق می‌باشد:

۱. به طوری که طبق ماده ۳۵ قانون مدنی تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است تا خلافش ثابت شود تصرف به عنوان وقفیت نیز دلیل وقفیت است تا خلافش محرز شود.

۲. تصرف به عنوان وقف قابل اثبات با شهادت شهود است.

۳. ید فعلی، حاکم بر ید سابق است. یعنی تصرف فعلی به عنوان مالکیت را تصرف سابق وقف ولو ثابت شود از اعتبار ساقط نمی‌کند مگر در صورتی که ضمن اثبات تصرف سابق وقف محرز شود که منشأ تصرف فعلی مالکانه غصب و بدون مجوز قانونی، عدواناً عین موقوفه از تصرف وقف انتزاع شده است و در این صورت تصرف وقف معتبر است تا خلافش ثابت شود. با توافق نظر در سه اصل فوق مجال و موردی برای اختلاف نظر شعبتین باقی نبوده است تا برای رفع آن و توحید رویه موضوع طرح و اخذ رأی هیأت عمومی به عمل آید.

**ماده ۳۵ قانون مدنی** - تصرف بعنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

### رأى وحدت رویه شماره ۳۵۶۱ مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۶

موضوع:

مستفاد از عبارت نسلأ بعد نسل در مورد وقف و تولیت و وصایت ترتیت است نه تشریک و مادام که چند نفر حتی یک نفر هم از نسل مقدم وجود داشته باشد نوبت به نسل بعد نخواهد رسید.

متن رأی:

مستفاد از صرف عبارت «نسلأ بعد نسل» در مورد وقف و تولیت و وصایت ترتیب است نه تشریک؛ از این قرار که هرگاه یکی از نسل موجود با داشتن فرزند فوت شود فرزند او با باقی ماندگان نسل در انتفاع از مورد وقف یا در امر تولیت و وصایت نمی تواند شرکت نماید و مادام که چند نفر حتی یک نفر هم از نسل مقدم وجود داشته باشد، نوبت به نسل بعد نخواهد رسید و همچنین است در مورد عبارت «طبقاً بعد طبقه» و بنابراین رأی شعبه اول و ششم موضوعاً صحیح است و این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در نظایر مورد، متبع و لازم الاجرا است.



### رأى وحدت رویه شماره ۲۳ مورخ ۱۳۴۴/۹/۲۲

موضوع:

در معاملات با حق استرداد، در صورتی که مال مورد معامله در تصرف انتقال گیرنده باشد، انتقال دهنده حق دریافت اجرت المثل را ندارد.

متن رأی:

در موضوع اختلاف رویه حاصل میان شعبه اول و شعبه دهم دیوان عالی کشور راجع به استحقاق یا عدم استحقاق مطالبه اجور در مدت خیار از طرف انتقال گیرنده در معامله با حق استرداد نظر به ماده ۳۴ اصلاحی قانونی ثبت مصوب مرداد ماه ۱۳۲۰ که به موجب آن اصل وجه ثمن و اجور مال مورد معامله در مدت خیار متعلق حق انتقال گیرنده شناخته شده و نظر به ماده ۷۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی که به موجب آن در صورتی که مال مورد معامله در تصرف انتقال گیرنده باشد، انتقال دهنده در مدت تصرف حق مطالبه اجرت المثل از گیرنده ندارد. رأی شعبه دهم نتیجتاً مورد تأیید است. این رأی طبق ماده واحده وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در مورد مشابه، لازم الاتباع است.



**ماده ۷۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸-** در معاملات با حق استرداد که مورد معامله به تصرف دائن داده شده است دائن حق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه و مدیون حق مطالبه اجرت المثل رانسبت به مدتی که مورد معامله در تصرف دائن بوده است ندارد.

**ماده ۳۴ قانون ثبت (اصلاحی ۱۳۲۰/۵/۲۶)-** در مورد معاملات مذکور در ماده ۳۳ و کلیه معاملات شرطی و رهنی راجع به منقول و غیرمنقول چنانچه بدهکار در ظرف مدت مقرر از حق خود استفاده نکند بستانکار می‌تواند با درخواست صدور اجرائیه فروش مال مورد معامله را از اداره ثبت بخواهد هر گاه بدهکار در ظرف سه ماه از تاریخ انقضاء مدت حق استرداد نپردازد آگهی مزایده مال مورد معامله از همان مبلغی که در سند تعیین شده به علاوه اجور عقب افتاده و زیان دیر کردنسبت به اصل وجه از تاریخ انقضاء مدت معامله تا روز مزایده حقوق دیوانی و هزینه مزایده و مالیات حراج منتشر می‌شود و در روز معین از همان مبلغ مزایده شروع و از وجه حاصل از فروش طلب بستانکار پرداخته شده و مازاد پس از وضع حقوق دیوانی و هزینه مزایده و مالیات حراج به بدهکار داده می‌شود چنانچه مال مزبور خریدار نداشته باشد پس از دریافت حقوق و عوارض دولتی به خود بستانکار به همان مبلغ که آگهی شده واگذار می‌گردد. مؤسسات بانکی از این قاعده اخیر مستثنی می‌باشند و در این صورت ملک مورد معامله به هر حال به طریق مزایده باید به فروش برسد.

**تبصره ۱-** املاکی که مورد درخواست مزایده بوده و در تاریخ اجرای این قانون ارزیابی آنها طبق ماده ۳۴ سابق قطعی نشده مشمول این قانون خواهند بود.

**تبصره ۲-** در مورد معاملات مذکور در ماده ۳۳ زیان دیرکرد اصل وجه مورد معامله از تاریخ انقضاء مدت مقرر در سند تعلق خواهد گرفت - در مورد سایر معاملات استقراری تعلق زیان دیرکرد مشروط به تقدیم اظهارنامه یا دادخواست است و از تاریخ ابلاغ اظهارنامه یا تقدیم دادخواست محسوب می‌شود ولی به طور کلی زیان دیرکرد در صورتی تعلق می‌گیرد که وجه التزامی بین طرفین در ضمن معامله اصلی یا ضمن هر نوع قرارداد و معامله دیگری به طوری که التزام مزبور راجع به معامله اصلی باشد مقرر نشده و بدهکار در صورت دیرکرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم به تأدیه آن ملزم نگردیده باشد.

**تبصره ۳-** در معاملات استقراری که موضوع آن مال ذمه باشد از قبیل بیع شرط روغن و امثال آن بستانکار فقط حق دارد اصل طلب خود را با وجه التزام (در صورتی که معین شده باشد) و یا زیان دیرکرد از تاریخ انقضاء مدت مطالبه نماید.

**تبصره ۴-** در صورتی که در ظرف سه ماه مهلت مذکور در ماده ۳۴ بدهکار یا بستانکار معامله خود را مستقیماً ختم نماید اداره ثبت اسناد فقط نصب حق اجراء را دریافت خواهد داشت.

رأی وحدت رویه شماره ۲۲۴ مورخ ۱۳۴۹/۸/۸

موضوع:

درخواست حذف یکی از دو نام مذکور در اسناد سجلی، که دارنده آن را زائد و منافی با شهرت خود می‌داند، مخالف با مندرجات سند رسمی نیست و شهادت شهود در چنین مواردی قابل ترتیب اثر می‌باشد.

متن رأی:

با دقت و تعمق در محتویات دو پرونده که یکی به حکم شماره ۷۹۵/۴۱ مورخ ۱۳۴۵/۹/۲۹ شعبه پنجم و دیگری به حکم شماره ۴۷۱/۴۵ مورخ ۱۳۴۵/۹/۲۹ شعبه ششم دادگاه استان مرکز منتهی گردیده چنین معلوم می‌شود که در هر دو دادخواست عنوان تقاضا این بوده است که چون برای مولی‌علیه درخواست کننده در اسناد سجلی او دو نام ذکر گردیده ولی او به یکی از این دو نام مشهور است و داشتن دو نام برای یک شخص مناسب نیست یکی از آن دو حذف شود و برای اثبات این که دارنده اسناد سجلی به نام مورد درخواست حذف شهرت ندارد بلکه فقط به نام دیگر مشهور است به شهادت شهودی که از این امر اطلاع دارند تمسک گردیده و مؤدای شهادت شهود مزبور نیز مبنی بر همین اظهار بوده و شعبه پنجم دادگاه استان در حکم خود به استناد ماده ۹۹۹ قانون مدنی مندرجات سند ولادت را با شهادت شهود قابل تغییر ندانسته و بر بطلان دعوی رأی داده ولی شعبه ششم با استناد به گواهی گواهان این درخواست را موجه دانسته و بر حذف یکی از دو نام رأی داده است گرچه استدلال شعبه ششم دادگاه استان در این مورد وجهه قانونی ندارد و متعاقب ماده ۹۹۹ قانون مدنی در ماده ۴۷ قانون اصلاح قانون سجل احوال مصوب سال ۱۳۱۹ تمام مندرجات دفاتر و اسناد سجلی که با تشریفات مقرر در آن قانون تنظیم گردیده است از اسناد رسمی شناخته شده، ولی نظر به اینکه به حکایت جریان کار معلوم می‌شود، تقاضاکنندگان مندرجات اسناد سجلی را هنگام تنظیم آن صحیح دانسته و دعوی آنان مبنی بر مخدوش بودن آن اسناد نیست بلکه مورد درخواست آنان حذف یکی از دو نام مذکور در اسناد است که آن را زائد و منافی با شهرت دارنده اسناد مزبور می‌دانند و این ادعا مخالف با مندرجات

سند رسمی نیست تا بتوان مورد را مشمول دو ماده ۹۹۹ و ۱۳۰۹ قانون مدنی دانست درخواست مزبور موضوعاً از حدود منع آن دو ماده خارج و شهادت شهود در چنین مواردی قابل ترتیب اثر می‌باشد. این رأی به موجب ماده ۳ اضافی به قانون آیین دادرسی کیفری لازم الاتباع است.

**ماده ۹۹۹ قانون مدنی** - سند ولادت اشخاصی که ولادت آنها در مدت قانونی به دایره سجل احوال اظهار شده است سند رسمی محسوب خواهد بود.

**ماده ۴۷ قانون اصلاح قانون سجل احوال مصوب ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۱۹** - مندرجات دفاتر ولادت و فوت و اسنادی که بر طبق آن صادر می‌شود و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در دفاتر اسناد رسمی معتبر خواهد بود مگر آنکه خلاف آن در دادگاه ثابت شود - سایر اسناد سجلی که بر طبق مقررات قانون با تشریفات مذکور در بالا تنظیم شده نیز اسناد رسمی است و لکن در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود.

### رأی وحدت رویه شماره ۴۲ مورخ ۱۳۵۱/۸/۲

موضوع:

با توجه به این که شخصیت حقوقی شرکت تجاری از مدیر آن به کلی مجزا است، اگر منافع عین مستأجره به شرکتی واگذار شود، ولو مستأجر اول مدیر شرکت باشد، مستأجر شرکت است نه مدیر آن. بنابراین انتقال به غیر تحقق یافته است.

متن رأی:

نظر به اینکه شخصیت حقوقی شرکت تجاری از مدیر آن به کلی مجزا و امکان برکناری مدیر شرکت همیشه موجود است و همین که منافع عین مستأجره به شرکتی واگذار شده مستأجر شرکت است نه مدیر آن، بنابراین هر گاه در سند اجاره حق انتقال به غیر جزئاً یا کلاً از مستأجر سلب شده و او مورد اجاره را به شرکتی ولو خود مدیر آن باشد واگذار نماید انتقال به غیر تحقق یافته و نظر شعبه ۳۹ دادگاه شهرستان تهران در این زمینه صحیح و مطابق با اصول و موازین قانونی است. این رأی به موجب ماده (۳) از مواد اضافه شدن به قانون آیین دادرسی کیفری برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رأی وحدت رویه شماره ۵۴ مورخ ۱۳/۱۰/۱۳۵۱

موضوع:

در صورتی که وصیت نامه مطابق قانون امور حسبی تنظیم نشود و لیکن برخی از وراثت به صحت آن اقرار نمایند، اقرار کنندگان در حدود اقرار خود ملزم به مفاد آن می‌باشند.

متن رأی:

نظر به این که از ماده ۲۹۱ قانون امور حسبی که پذیرفته شدن وصیت نامه عادی را مشروط به تصدیق اشخاص ذی نفع در ترکه دانسته است لزوم تأیید کلیه ورثه استفاده نمی‌شود و عدم تصدیق بعضی از وراثت مانع نفوذ و اعمال وصیت در سهم وراثتی که آن را قبول کرده‌اند نمی‌باشد و ماده ۸۳۲ قانون مدنی نیز مؤید این معنی است و برطبق مواد ۱۲۷۵ و ۱۲۷۸ قانون مدنی اقرار هر کس نسبت به خود آن شخص نافذ و مؤثر است و ملزم به اقرار خود خواهد بود. رأی شعبه دهم دیوان عالی کشور که وصیت نامه عادی را در سهم وراثتی که آن را تصدیق کرده‌اند نافذ دانسته صحیحاً صادر شده است. این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

مواد ۸۳۲، ۱۲۷۵ و ۱۲۷۸ قانون مدنی:

ماده ۸۳۲- موصی‌له می‌تواند وصیت را نسبت به قسمتی از موصی‌به قبول کند در این صورت وصیت نسبت به قسمتی که قبول شده صحیح و نسبت به قسمت دیگر باطل می‌شود.

ماده ۱۲۷۵- هر کس اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود خواهد بود.

ماده ۱۲۷۸- اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم‌مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن را ملزم قرار داده باشد.

ماده ۲۹۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹- هر وصیتی که به ترتیب مذکور در این فصل واقع نشده باشد در مراجع رسمی پذیرفته نیست مگر اینکه اشخاص ذینفع در ترکه به صحت وصیت اقرار نمایند.

## رأی وحدت رویه شماره ۹ مورخ ۱۳۵۵/۳/۱۰

موضوع:

مستأجری که با استفاده از حق واگذاری به غیر، قسمتی از مورد اجاره را به دیگری واگذار نماید، بعد از انقضای مدت اجاره مالک منافع قسمتی که واگذار گردیده نیست و نمی‌تواند تخلیه یا تعدیل اجاره بهای آن را از مستأجر جدید بخواهد.

متن رأی:

با توجه به ماده اول قانون روابط مالک و مستأجر و تبصره آن و با اتخاذ ملاک از مادتين ۵ و ۲۰ قانون مزبور، مستأجری که با استفاده از حق واگذاری به غیر قسمتی از مورد اجاره را به دیگری واگذار نماید دیگر بعد از انقضای مدت اجاره مالک منافع قسمتی که واگذار گردیده نیست و تصرفی هم در این قسمت برای او باقی نمانده تا بتواند تخلیه یا تعدیل اجاره بهای آن را از مستأجر جدید بخواهد. در چنین موردی رابطه حقوقی مستأجر سابق نسبت به قسمتی که واگذار گردیده قطع شده و بین مستأجر جدید و مالک رابطه استیجاری برقرار گردیده است. این رأی طبق ماده ۳ قانون اضافه شده به آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ در موارد مشابه برای دادگاهها لازم‌الاتباع است.

مواد ۱، ۵ و ۲۰ قانون روابط مالک و مستأجر مصوب ۱۰ خرداد ماه ۱۳۳۹-

ماده ۱- دکانه، مغازه، خانه، آپارتمان، مهمانخانه، مسافرخانه، گرمابه، کاروانسراها، محل کارخانه، محل باشگاه‌های ورزشی، گاراژها، انبارها، اتاقهای کرایه و به طور کلی هر محلی که برای پیشه و کسب یا تجارت و یا سکنی تا به حال اجاره داده شده است و یا بعداً اجازه داده می‌شود مشمول مقررات این قانون خواهد بود.

تبصره ۱- منظور از اجاره مذکوره در این ماده آن است که تصرف متصرف به عنوان اجاره یا صلح منافع یا هر عنوان دیگری به منظور اجاره باشد اعم از این که نسبت به مورد تصرف سند رسمی یا غیر رسمی تنظیم شده یا تصرف متصرف بر حسب تراضی با موجر با نماینده قانونی او باشد.

**تبصره ۲-** اراضی مزروعی محصور یا غیر محصور مشمول این قانون نخواهند بود.

**تبصره ۳-** تصرف ناشی از معاملات رهنی و معاملات با حق استرداد تصرف به عنوان اجاره شناخته نمی‌شود.

**تبصره ۴-** ساختمانهایی که برای سکونت به طور فصلی برای مدتی که از شش ماه تجاوز نکند اجاره داده می‌شود مشمول این قانون نخواهد بود مشروط بر این که فصلی بودن در اجاره‌نامه آن تصریح شده باشد.

**ماده ۵-** در مواردی که بین مالک و کسی که ملک را به عنوان مستأجر در تصرف دارد اجاره‌نامه‌ای تنظیم نشده و یا اگر تنظیم شده مدت آن منقضی گردیده باشد هر یک از آنان می‌تواند به وسیله اظهارنامه از طرف مقابل ظرف ده روز درخواست تنظیم اجاره‌نامه یا تجدید آن را بنماید و در صورت عدم انجام تقاضا و یا عدم موافقت در تعیین میزان اجاره و شرایط آن هر یک از آنان می‌توانند برای تنظیم اجاره‌نامه و یا تعیین اجاره‌ها با رعایت مقررات ماده سوم در موردی که اجاره منقضی شده باشد طبق مواد ۱۳ و ۱۴ این قانون به دادگاه مراجعه نمایند و مادام که میزان اجاره‌ها از طرف دادگاه تعیین نشده مستأجر در آخر هر ماه متنها ظرف ده روز اجرت‌المثل را به میزان اجرت‌المسمی باید بپردازد و اگر اجاره‌نامه‌ای تنظیم نشده باشد اجرت‌المثل معادل مبلغی پرداخته خواهد شد که در آخرین اجاره‌نامه رسمی بین مالک با مستأجر سابق تنظیم شده باشد که در این صورت مالک رونوشت اجاره‌نامه مزبور را به وسیله دادگاه به مستأجر ابلاغ خواهد نمود و در صورتی که مستأجر از تاریخ ابلاغ تا ده روز از پرداخت وجه اجاره خودداری نماید و یا هر یک از اقساط مال‌الاجاره را به میزان اجرت‌المسمی ظرف ده روز بعد از هر ماه نپردازد به تقاضای مالک همان دادگاه در جلسه فوق‌العاده حکم به تخلیه عین مستأجره خواهد داد و این حکم قطعی و لازم‌الاجرا است در صورتی که اجاره‌نامه‌ای وجود نداشته باشد مستأجر ملزم است به عنوان اجرت‌المثل مبلغی که خود تشخیص می‌دهد و متناسب با اجاره ملک مشابه می‌باشد برای هر ماه تا دهم ماه بعد در صندوق دادگستری بسپارد به هر حال پس از صدور حکم دادگاه اگر میزان تعیین شده به عنوان مال‌الاجاره بیش از مبلغ سپرده باشد و یا این که بیش از اجرت‌المثلی که پرداخت گردیده مستأجر ملزم است مابه‌التفاوت را از تاریخ درخواست به ضمیمه خسارت تأخیر تأدیه صدی ۱۲ در سال به مالک بپردازد و در صورت انقضای ده روز و عدم تودیع آن به تقاضای مالک همان دادگاه حکم به تخلیه صادر می‌نماید و حکم مزبور قطعی و لازم‌الاجرا است.